

# الله پارس

نشریه نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان

چهارم دختران



حجل 1391 / مطابق اپریل 2012

ماهنامه الله پارس

شماره سوم

سال اول

## خبر مسرت افزا

## سر مقاله

غور ولایتی است کوهستانی، صعب العبور و سرد سیرکه در قلب افغانستان یعنی در بین دوشاخه اصلی کوه بابا (سیاکوه و سفید کوه) موقعیت دارد. غور سر زمین امپراطوری غوری ها، شاهان و سلاطین نامدار کشور مان افغانستان میباشد.

در حال حاضر میتوان گفت که غور یکی از محروم ترین ولایات افغانستان بشمار میرود. علل این محرومیت از بی توجهی دولت مردان کشور، جنگ های قومی و نژادی، بی میلی رهبران مرکزی و قهر طبیعت در طول ادوار تاریخ بوده است. از این لحاظ درین ولایت کاری صورت نگرفته که صلب توجه را بخود معطوف کرده بتواند. علت کم توجهی دولت و مؤسسات کمک رسانی شاید سوالی باشد بی پاسخ اما کوهستانی بودن، عدم سرک های تدارکاتی و زمستان طولانی بایخبندان و سرمای شدید باعث شده تا زراعت به عقب بماند و حاصلات دهاقین ناچیز باشد. غور در حال حاضر در تشکیلات اداری کشور یکی از ولایات سه گانه مرکزی به شمار میرود. مرکز این ولایت شهر چغچران ( فیروز کوه) میباشد. اوسط ارتفاع غور از سطح بحر (2250) متر و مساحت عمومی آن 38666 کیلومتر مربع است. غور هفتمین ولایت افغانستان از نظر مساحت بشمار میرود و نفوس مجموعی آن (645006) نفر بوده که از جمله ( 333387 ) مرد و ( 311619 ) زن میباشد که در (2150) قریه سکونت دارند. از روی این ترکیب، کثافت نفوس 16 الی 64 نفر در فی کیلومتر مربع میباشد. این ولایت کوهستانی دارای نه (9) واحد اداری بوده که فاصله از مرکز شهر «فیروزکوه» الی هر ولسوالی ازین قرار است:

ساغر 225 کیلومتر، تولک 190Km، دولینه 75Km، پسابند 170Km، چهارسده 100Km، دولتیار 65Km، لعل و سرچنگل 150Km و تیوره 220Km. غور از شمال به جوزجان، فاریاب و بادغیس از غرب به هرات و فراه از جنوب و جنوب شرق به هلمند و ارزگان و از شرق به بامیان و دایکندی هم مرز است. زبان مردم غور پارسی دری و با رسومات و لهجه های محلی مناطق مختلف غور تکلم میشود..

اقوام ساکن در این ولایت عبارت انداز: تاجک، ایماق، غوری، ترسان، اسفرمان، پهلوان، ملایان، زه رضاً، زه حسین، یار فولاد، میری، تایمنی، امله، سردار، ده مرده، مرغابی، الله یار، خدایار، سلطان یار، خانزاده، هزاره، خواجه، غورقند، باین، قیچاق، کورسیا، کوزک، زه حکیم، گودر، کاکر، بلوچ، سادات، چشتی و کمی هم پشتون (وردک) زندگی میکنند. در ولایت غور یک باب دانشکده تعلیم تربیه که شامل فورم های کاتکور 1391 شد، یک باب دارالمعلمین عالی مرکزی؛ دو باب دارالمعلمین الحاقیه ( یک باب در ولسوالی لعل و سرچنگل و یک باب در ولسوالی تیوره)، یک باب دارالعلوم عالی ابوحنیفه، ده (10) باب مدرسه، (66) باب لیسه ( 388 ) باب مکتب ابتدائیه ( 175 ) باب مکتب متوسطه ( 1 ) باب دارالحفاظ و ( 1 ) باب لیسه مسلکی زراعت وجود دارد. ولایت غور دارای (34) کلینیک، یک شفاخانه ولایتی و یک شفاخانه در ولسوالی تیوره میباشد که توسط موسسه ACTD تمویل میگردد. برنامه های همبستگی ملی در بیشتر از مناطق ولایت غور تطبیق گردیده که به تعداد (845) شور ایجاد (1680) قریه تحت پوشش آن قرار گرفته است. تعداد بیشتر از ساکنان مرکز ولایت و مراکز ولسوالی ها مصروف اجرای وظایف در ادارات دولتی و مؤسسات میباشد و یا مصروف کارهای تجاری هستند. مردم قرأ اطراف به کسب معلمی و عده ای هم در زراعت و مالداری اشتغال دارند. اما سالانه تعداد کثیری از جوانان این ولایت نسبت عدم موجودیت کار، به کشورهای همسایه مهاجر میشوند خصوصاً جوانانیکه فارغ التحصیل صنوف دوازده و بی نتیجه از امتحان کاتکور میمانند. 30 فیصد از زمین های این ولایت را آبی و 70 فیصد آن را للمی در بر میگردد.

در این سرزمین بیش از 200 آبدات تاریخی شناخته شده است که مهم ترین آن منار جام میباشد که شهرت جهانی دارد این منار در ولسوالی شهرک در منطقه جام به کنار در یای خروشان هریرود موقیعت دارد. بنیان گزار آن سلطان غیاث الدین غوری امپراطور بزرگ و یکی از سلاطین و شاهان غوری در زمان سلطنت غوری ها بوده است. این منار از نگاه قدامت معماری و تاریخی خود نسبت به دومنار مشهور دیگر یعنی قطب منار دهلی و منار بخارا برتری دارد. در قسمت بالایی این منار آیاتی از قرآن کریم نگاشته شده است که به تقدس منار جام اشاره دارد. اما جای تأسف است که در این قرن 21 سیاحین و جهانگردان با صد نا امیدی از ریسمان روی دریا عبور میکنند تا این منار سر بفلک کشیده شاهان غور را از نزدیک دیدن نمایند. طوریکه مهندسان و انجینران میگویند منار جام به طول یک و نیم متر بطرف دریای هریرود میلان پیدا کرده است که اگر ترمیم نشود و توجه دولتمردان صورت نگیرد در آینده نه چندان دور یا نزدیک این منار نابود خواهد شد، آبدات دیگر قلعه غور، قلعه های دولتیار، مرغاب، سیفرود، خیسان، قلعه سور، ملک عنطر، قلعه های منطقه الله یار (قلعه رحیم، قلعه سرسنگ غار سفلی، قلعه زیر تنگی غار)، چهل دختران، کوشک های اسپین غر، آهن کشان، سنگ اژدر و...، قلعه آهنگران، مسجد غیبی، مسجد جامع و تپه عیدگاه تیوره میباشد. این سر زمین دارای علما، دانشمندان، دانشوران، شعراً، نویسنده گان، دکتوران، متخصصان، نقاشان، حکاکان، خطاطان، مهندسان، انجینران، سنگ تراشان، زرگران و سلاح سازان و غیره اهل علم و هنر میباشد.

غور سر زمین وسیع الساحه و کوهستانی با راه های صعب العبور است که این فراخی و وسعت باعث مختلف بودن اقلیم یعنی آب و هوا و موسم مناطق شده است. طوریکه در برخی مناطق هوا گرم، در برخی مناطق نهایت سرد و در بعضی مناطق هم نسبتاً معتدل میباشد. غور اگرچه دور از سطح بحر است اما به نسبت کوهستانی بودن، دارای چشمه ها و دریا های پر از آب مانند فراه رود، دریای مرغاب، دریای هریرود و سایر دریا های دیگر میباشد.

نویسنده: لعل میر دانشور مرادی

در یکی از روزهای سرد و خنک چله کلان وزمستان سرد 1390 که در شهرک افسران ناحیه هشتم ولایت هرات باجمعی از دوستان خود در اطراف منقل برقی به مطالعه کتاب و زمزمه اشعار ادبی و فارسی علامه اقبال لاهوری سرگرم بودم، دیدم که حدوداً چهار ورق لوله کرده و باهم پیچیده و جرک کشیده توسط یکی از دانشجویان نزدیکم برایم داده شد. از بسکه شیفته شعر و ادبیات فارسی بودم گفتم چیست و آثار از کیست گفت احساساتی مباش اشعار نیست. گفتم چیست گفت چیز نیست که همیشه افسوس نبود آنرا داشتید. بعجله جرک را از روی ورق کشیدم. دیدم که صفحه اول، دوم، سوم و چهارم شماره اول سال اول نشریه نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار میباشد یعنی این نهاد تازه حیات و درضمن روح و روانبخش که سالها الله یار مظلوم، زیر استعمار بیگانگان قرار داشته و نام و نشان هویت خویش را از دست داده و طی سالهای متمادی باوصف داشتن شخصیت های علمی، فرهنگی و ادبی باز هم توان از خود سازی و از خود بروز را نداشتند، خوشبختانه باین همه زیر تاثیر قرار گرفتن ها و ذریعه دیگران از جامعه سیاسی و مدنی به انزوا فرار گرفتن ها باز هم بودند اشخاصی که همیشه واقعبیت را میدیدند و میگفتند و از هیچ نوع سفاکی و بیرحمی و خائمانسوزی بیم و ترسی هم نداشتند. واقعبیت های جامعه و روز را که در گلوها خفه بود بازگو میکردند تا آنکه خوشبختانه آزادی واقعی قلم و فرهنگ در جامعه انسانی و افغانی ما رونما گردید و آن شخصیت ها که درد و الم چندین ساله این ملیت 5000 فامیلی را که جهت یکجا بودن و رسیدن شان با همدیگر و باغم و اندوه خود باهم شریک شدن، حکومت وقت ایشانرا 50 سال قبل تارومار ساخته و وحدت و انسجام آنها را یکی پی دیگری از هم گسیسته بودند، اکنون خواهان معرفی مجدد این قوم و این کتله بزرگ و درضمن کس ناشناس از طریق این نهاد فرهنگی و همچنان سایت وزین جام غور اند که اولاً شکران نعمت الله (ج) را بجای آورده و ثانیاً اظهار امتنان و تشکر دارم از دست اندرکاران، تشویق کنندگان و تمویل کنندگان و خصوصاً از هیئت تحریر این کانون فرهنگی که واقعا در راستای خدمت به خلق الله و بخصوص مردم ضعیف و نحیف الله یار که از هیچ نوع زحمات و سعی و کوشش دربارۀ آبادی این خطه دریغ نورزیده اند. اکنون پارچه شعر ناچیز را بخاطر علاقه و وطن دوستی و فرهنگ روشی هموطنان خود سروده ام که بخدمت دست اندرکاران این نهاد فرهنگی تقدیم مینمایم:

حبذا روزی که بشنودم ز نام این نهاد  
شور و شغف درد و غم یگجا بسویم جلوه داد  
شور شعف گفتا خوشا نامی ز ما شد مشتهر  
جهل بغض گفتا مشو مسرور ز فرهنگ سواد  
یکطرف جهل جهالت یکطرف دود تفنگ  
قدر اهل علم دا نش نیست بنزد بیواد  
گفت قلم من کار خود را طبق قانون میکنم  
نیست منرا دشمنی بغض کین با هیچ نهاد  
جهل میگوید نمیخواهم قلم را در جهان  
دشمنی من به آن از روی کینست و عناد  
جاهلان را جلب خود سازم بصد نیرنگ و چال  
خوبی از من بر نمی آید بجز جنگ و فساد  
گفت قلم برجای خود ساکت! جهالت باش و بس  
کارهای زشت کردی تابکی حب الفساد؟  
هرچه کردی دست بکش بهر خدا بیشتر مکن  
ملت مظلوم میان تابکی باد نامراد؟  
ایجهالت گرچه ساختی بسته دربر روی من  
کارگشای راستین درب دیگر بامن گشاد  
بادم تیغ اجل روزی رسد ای دوستان  
خوبگران و بدگران آخر زیا هردو فتاد  
نیست جهان باقی بکس قلبا احمد زاده بدان  
لیک خوب کاران نیکو نیست مرده زنده باد

ملا احمد شاه "احمدزاده"

## نام های عامیانه بعضی از گیاهان

## 1)گیاهان خوردنی

خالق یکتای رحمن ورحیم می‌دهد انسانرا بس ها نسیم باز از فضل خدای کردگار شد نمایان نوبهار نَر وبار این زمین پس زنده گردد دربهار از طفیل ابر وباران بی‌شمار سربیرون آرندگیاهان رنگ ورنگ از درون خاک مرده بس قشنگ تا که باشند درحیات ما ممد این چنین اعطای خوبی کس ندید این گیاهان نام ها دارند بسی بین مردم برزبان هر کسی ای برادر نام هارا یاد گیر کز محل اند وهم لندت پذیر **شفتی** و **گاوک** شروع سبزی ها دربهاران دوست گردند هرکجا **کمبل** و**نوروزی** و **خارک** یقین طفلکان را شایق اند ونازنین نیز چوپانان بوقت دل پذیر از طفیل شان شوند خوب تحفه گیر **کوکریزه** با **پاچه مرغک** هم‌نوا سود آرد خوردن شان جمله را **مندلق** از بهر ساجق ساختن زیب دارد از برای مرد وزن هم **بجندک** **شوره کک** پخته شوند اشتها آور بهر معده شـــوند **سبچ** و**سرش** سبزییی پخته مجاز میخورند این هر دورا مردم به ناز گه ز **بندرغان** بگویم این کلام ساقه هایش بهرخوردن هست مدام **کدوگک** خوبست به رفع گوشنگی درزمان قحطی ودرماندگی **شخله** دارد برگ خوب ودلنشین بهر سبزی پخته گردد بس یقین **برگ** و**گل گارو** باشد خوشمزه بین هر دیکی جو شوربا با مزه **گل اسکیچ** هم شیرین ودلکش است خوردنش مطبوع ورنگش پرکشت ساقه **گندم بغل** باشد یقین میلهٔ با طفلکان ذوق آفرین **راوش** نازنین تیزاب خواه زانکه آرد برتنت قوت رسا **شیجدره** مطبوع با میل زسان دربهار وقتی که باشد نوجوان **خار** **شیرین** کو بروید دربار خاک آن نه عمق باشد نه شیار ساقه اش شیرین همچون نیشکر ازبـــرای آد میان بی ضرر **خربوزه** **کوهی** که خورد ورزیه است درحقیقت خیلی ها خوش مزه کودکــان دانند گیاه مایه را این همان که **جوزک گرد لایه** را

## 2 ) گیاهان اقتصادی

از **فلار**(<sup>6</sup>) است پاکى نى کالا عیان همچو صابون شایع بین مردمان ساهاست تجار زهرات وفراه روی آرنــد اندرین مسرُ ده ها جمع سازند ریشه اش را بی شمار موترهارا بار کنند از هر دیار **گژد** باشد خوب از بهر تناب نیز باشد خاک را مانع ز آب **آول** **وبته** ز بهر احتراق مینماید خانه هارا گرم وداغ هم به پختن هم برای نان پزی باشداسباب درست خوب پزی **شغز** دارد چوب محکم وقوی جور برابرزار کار کشتگری گرچه **بادام** نیز بااین خصلت است بلکه بهتر از همینسان نعمت است **لیک** پوست ریشه **بادام تلخ** بهترین رنگ دردیباغت خوب شخ **آول** و**بادام تلخ** گویند بهم می شویم هر دو برادرها بهم نیز داریم خواهری مارا یقین اوست **سنگ اولک** که باسنگ همنشین سه گیاه با نام **اوشلان** معتبر خوب معروفست برهررهگذر پودرخاکستر آنها چنان میشوند کلچه زبهر دیگران

میخرند آنرا که صابون جور کنند نیز از او هم خلاوک را پزنند درقدیما بود **اسکیچ** کارباب **چپله** و**سبد** از او گــریدید باب

## 3) گیاهان چراگاهی

اول بهار رویــد **پسرخزک** **توک** **گــردد** همنوایش بی درک **برگها** و**ساقه** های **بنه** **ها** **تلخک** **تلخ** **بــد** اما نابکار گنشته رویان درزمین للمی کار کرده اند تسخیر دولتیاررا غرق دراندوه دهقان کاررا انگلیس ماند است با او نام روس درکنارش اینـ **مگسک** را بین همچو خیلی کز ززدان درکمین رخت بریستست **منگ** از کشتزار نیست با تلخک مر او را سازگار **چارمننگ** **بینوا** در بین سنگ سبز میگردد که تابااند به جنگ **خــرپک** **محزون** به کوه وتیپه ها تغذیه سازاست بهر اسبپ ها **قن** **شــتررا** مست وهم فریه کند گاوها را نیز پــر چــریه کند **کلغر** **بیچاره** **گــردد** خانه نى بهر خرگوشان محزون لانه نى درنشین تند رویند **خــوزبه** **ها** پوشش خاک اند از سیلاب ها **چرمک** و**پشمک** بهر کوه ودیار درچرای بز وگوسفند سازگار **روف** میروید به کوه ها بیوشمار درکنارش هست **قیاق** استوار هردواند علوفه بهر گــاوها هم حیات وحش از آنها رضا عطسه آور هست هرجا **اسپخان** بوی بد دارد واین باشد عیان **اسپخان** درشامه می آرد مصاب موش ها ازبوی او اندر عذاب سبز و شاداب وصفا باشد **کبر** **پیچک** **لسمی** میان کشتزار سبز میگردد بسیی با افتخار دارد او گلــهای زیبا ونفیس درنگاهش چشم ما باشدحریص هست **گاوَقِن** یک علوفه زورور دشمنست اما برای اسب وخر کورسازد جمله اسپان وخران هم بود حساس با او مردمان خوب میروید **کــمای** در تنــدیها روزی میسازد به میش و بره ها جمله حیوانات ازویند شاد وخوش چون غذائی است به آنهاطبع خوش میشوند **کندل** و **گاوَقِن** و**کمای** سه برادر یک دیگر را رهنمای خواهری دارند اورا **اوشه** بنام با برادرها بود هر صبح وشام **بید** و**گــز** با هم برادر خوانده اند درکنار رودها روینده اند **لیک گز** خواهش همی دارد نمک **بید** باشد نا خوش از آب کمک

### 4) گیاهان میوه دار وزینتی

**چکه** باشد هم ترش و با مزه میوه اش اما بخون خوب میخزه از درخت **تاغــم** بسیار خوب میوهٔ شیرین و هم با طبع خوب **قچه** دارد میوهٔ گــرد وشفاف یاد می آرد به آدم کوه قاف کشته **امروچه** بیشک دلکناست بهر اسهالات بیحد پر بهاست از **زُلرک** هرگز نمیگویم سخن میوه هایش هست ترش و پرزفن **ارغوان** را هست گل های قشنگ رنگ سرخ روشن آنهاست شنگ مینماید ساحه را همچون عروس چون تو گونی هست آن تاج خروس **لاله** ها دردشت زار و تپه ها فوج در فوج اند هم بس پــر بها سرخ درصحرا **گل دختر** عیان اقتضای خصلتش باشد بدان

## 5) گیاهان خوشبو

**زمبیلیک** و **دیکمه** **دیکک** را شناس بوی خوش دارند دایم از اساس اولی بس زیب باشد دیکچه را چونکه دارد بوی مطبوع ورسا

# خطاب به جوانان

ای جوانان! بیانید تا راه روشن را پیدا نمائیم و این قشر ملوک الطایفگی و فساد را از بین ببریم. جهان در فراژ نشیب خود کامیابی ها، ناکامی ها، پیشرفت ها و پس رفت ها را همیشه در مناطق کوچک و بزرگ به تجارب رسانیده است. این هم در افغانستان ملاحظه میشود که تا وقتیکه فساد و این قوم گرایی خصوصاً در مناطق ما نابود نگردد افغانستان گام بسوی صلح، امنیت ، حاکمیت درست، سواد و قانون ا سلامی بر نخواهد داشت.با ابراز تأسف در بعضی نقاط کشور و خصوصاً در اکثر مناطق غور بی عدالتی، بی نظمی، بی امنیتی از طرف ملوک الطایفگی ها یا ارباب های منطقه و گروه های که در جستجوی تفرقه و نفاق اندازی در بین دو برادر، خانواده ها، فامیل ها ، اقوام و حتی در بین ولایات میباشند، تأثیرات منفی وناگوار به بار می آورد.

چنین افراد و اشخاص در جامعه همیشه به فکر حاکمیت ، قدرت طلبی و منافع شخصی خود میباشند ؛ پس این ملت و دولت به هیچ زمان گام بسسوی صلح، امنیت، ثبات و خواب راحت برنخواهد داشت. اما بصفت برادر کوچک از تمام هو وطنان عزیز خود تقاضا دارم که از جنگ های گذشته افغانستان به چشم عبرت دیده و از کشور های پیشرفته همسایه خود بیاموزند و از این برادر کشی و قهر گمراهی آینده اولاد و نسل جوان را نجات دهند و این ملت و کشور خود را به اوج ترقی ، پیشرفت و خود کفایی برسانند تا شود روزی که بجای سلاح و آدم کشی از کمپیوتر های عصری و برادر سازی کار بگیرند. درین جا سوال پیدا میشودکه « سبب پیشرفت کشور های دیگر چه بوده است؟» در پاسخ خواهیم نوشت که پیاده نمودن اتحاد وهمبستگی،احترام متقابل،صداقت وراستی،عدالت اجتماعی،امنیت و حاکمیت قانون علل پیشرفت کشور های پیشرفته جهان بوده و هم در راه توسعه و پشرفت ملتها واقتنار مختلف مملکت های خود کوشیدند و مبارزه با جنگ و جنگجویی ،نفاق و تفرقه اندازی، فساد ، رشوت خوری و رشوت ستانی دست زدند . حتی تمام افراد درین عقیده اند که واقعاَ ریس جمهور به تنهایی خود هیچ کاری کرده نمیتواند پس هر فرد مسسولیت دارد تا در قبال جامعه و افراد اجتماع خود وظیفه ایمانی و وجدانی خویش بداند که دست جور وستم را از بالایی افرادمظلوم بر دارد و از فساد اداری دست بکشد در غیر آن دولت بدون همکاری افراد اجتماع (رعیت خود) هیچ گاه موفق نخواهد شد. خلاصه به امید اینکه تمام کار مندان دولت و افراد اجتماع و ملت با هم اتحاد و اخوت را بوجود آورند، دست بدست هم داده و در راه تعلیم و تربیه ، پیشرفت و ترقی جامعه خود کوشا باشند. تمام ما و شما از خواب غفلت بیدار و از این گمراهی خود را نجات داده و متوجه شویم که چه کشور های مدرنی با چه وسایل عصری وچه کشور های خود کفا و با فرهنگی وجود دارد. همچنان در تاریخ میخوانیم که افغانستان و جاپان در یک سال اعلان استقلال کردند و امروز جاپان از جمله کشور های پیشرفته جهان بشمار میرود اما ما افغانها تا اکنون باریگ بین، حسود با دیگران، برادرکش، خون آشام ،دشمن و عداوت پیشه و دست بگریبان یگ دیگر هستیم.

**عبدالقدیر (قیام) محصل سال سوم پوهنتون ابوریحان البرونی**

# P R T I N G H O R

## مقامات مرکزی پروسه ادغام مجدد نیروهای

## ایساف از چچگران بازدید به عمل آوردند

در سال 2010 حکومت افغانستان پروسه صلح وادغام مجدد را توشیح ومنظورنمود تا که جنگجویان طالبان و قاندین آنها را که درکنار گروه های مسلح مخالف و افراطیان قرار دارند ، به پروسه صلح واستقرار مجدد ترغیب نماید و آنها را متقاعد بسازد که از خشونت دست کشیده و به پروسه سازنده ادغام مجدد ملحق شوند تا که از چانس صلح ،حکومت دوامدار و رشد اقتصاد بهره مند شوند . علاوه براین،مقامات ایساف یک دفتراستقرار مجدد را ایجاد نموده است که در سهولت بخشیدن ارائه پالیسی ،منابع و توانایی ها در راستای حمایت از پروسه ادغام مجدد سهیم و کمک شوند. فرماندهی مشترک ایساف مسولیت دارد که این پروسه را به راه اندازد و کوشش های همه جانبه را از حکومت افغانستان ، ایساف، پروگرام انکشافی ملل متحد و دیگرمنابع هماهنگ سازد. دراوایل ماه مارچ مقامات مرکزی پروسه ادغام مجدد ایساف از شهرچچگران بازدید بعمل آوردند.هدف از بازدید این بود تا که ازتطبیق پروسه صلح و ادغام مجدد افغانستان در سطح ولایت آگاه شوند و اطلاع حاصل نمایند که تیم مشترک دارالانشاء ولایتی غور به چه نوع چالش های مواجه است.بازدیدکننده گان همراه محترم دکتور عبدالله "هیواد" والی ولایت غور، حاجی عبدالغفور "تیمن" رئیس تیم مشترک دارالانشاء ولایتی و کارمندان ان دفتر دیدار وگفتگو نمودند.آنها در صحبت های شان وضعیت کنونی ادغام شده ها و داوطلبان پروسه صلح را مورد بحث قرار دادند و درضمن پروژه های درخواست نمودند . نمایندگان مرکزی پروسه ادغام مجدد ایساف به والی ولایت ابرازنمودند که درحال حاضر کارافزار های تیم مشترک دارالانشاء ولایتی به منظور پیش برد این پروگرام موجود اند و ما درولایت غور آمینم تا ازچگونگی تطبیق این پروگرام در سطح این ولایت آشنایی حاصل کنیم. در رابط به نتایج ملاقات، آنها مقامات ذیصلاح یا سکرتریت مشترک افغانستان را از چگونگی چالش ها آگاه خواندندمود. پروسه صلح استقرار مجدد افغانستان یک راه خوب برای مخالفین دولت می باشندتا ازاینطریق شیوه زندگی شان را تغییر و یک توانایی را ایجاد نمایند که به زندگی مسالمت آمیز بگردند و به اعضای فامیل شان یکجا شوند و درساختار یک افغانستان نوین همراه با یک محیط رفاه و امن برای نسل های آینده و شگوفایی تمام ملت افغانستان سعی و کمک نمایند.

پی آر تی مقیم چچگران

# معرفی ملا خلیفه اقبال

خلیفه اقبال فرزند محمدرحیم واز شاخه زی امان الله یار میباشد . وی شاعر نامی ومحلی مردم الله یار درقرن 13 هجری شمسی بوده است.آقای موحد درکتاب " تذکرهٔالشعراى غور" خویش تولد ویرا سال 1245 هجری شمسی ووفاتش را سال 1318 هجری شمسی ثبت نموده است.موصوف درابتدا بقریه غار سفلی امروزی (محل تولدش) یکجا با ملا عمر شخص شماره یک آنوقت غار میزیسته است. او بادختر سیدبخش غار تمایل پیدا کرده وازینرو اورا خواستگاری و بعقد خویش در آورد. بعد از آنجا به قریه کهمردی واقع دهن آب کلان الله یار کوچید. سپس از آنجا بالای زمین شخصی خود واقع کَشکک رفته وقشلاق ساخت. دیری نگذشت که زمین کرتخانه کنونی را از قوم زی نیازالله یار بنام پشته گدی خریداری وبه انجا نقل مکان نمود تااینکه درآنجا فوت کرده وبه قبرستان قریه کنونی میرزا پاینده دفن شد.ازآن به بعد تاالحال اولادانش درآنجا زندگی دارند. از خلیفه اقبال دو پسر بنام های ملا عبدالباقی وملا صلاح الدین و5 دختر بجا ماند که احفاد آنان حالا قریه بزرگی را درکرتخانه تشکیل داده اند ولی سه پسر ویک دختر وی درسِن نوجوانی داعی اجل را لبیک گفتند که خلیفه دربارهٔ هرکدام ایشان مرثیه هائیرا سروده است. خلیفه اقبال سه دفعه ازدواج نموده بود که یکی ازآنها دختر سیدبخش، دیگری دختر ملابستان پای زیارت خواجه سید حسن از قوم زه رضای امروزی وسومی دختر بدلی از قریهٔ خاکسترک الله یار واز اولادهٔ قیصری بود. هردو فرزند باقیمانده اش از زن سومى وی میباشدند. موصوف دارای دو برادر بنام های خلیفه فقیه وخلیفه یحی بوده که هرسه برادر به القاب خلیفه مفتخر بودند. خلیفه ملا اقبال بسیار خوش آواز وخوش صوت بود. هروقت که به آواز خوانی شروع میکرد، همه مردم بدورش جمع می شدند و ازآواز خوانی اش خیلی لذت می بردند. گویند زمانی دریک بازاری با جمعی از همراهان به سفر میرفتند. شب درقریهٔ ناشناسی رسیدند. هرقدر تقاضاکردند، کسی ایشانرا جا نداد. درکنار قریه اقامت اختیار کردند. همراهانش از او خواهش نمودند تا به آواز خوانی شروع نماید. او همینکه به آواز خوانی شروع نمود، همه مردم قریه بدورش جمع شدند وقتیکه اورا چنین خوش آواز یافتند، هریک از اوخواست تا مهمان وی شود. به اینترتیب او وهمراهانش با عزت زیاد ان شب را دران قریه گذشتانندند. دراشعار خویش نیز از مهارت خود درشکار وآوازخوانی بخوبی توصیف کرده است. ملا خلیفه اقبال دردعاخوانی نیز دست توانائی داشت وازهمین خواطر اورا خلیفه صاحب شهرت وآواز بود. حکایت میکنند که دربندر جوانی به مرض جنون مبتلا گردیده بود. پدرش از تمام شخصیت های دعا خوان واهل روحانیت اطراف ونواحی استمداد جست ولیکن بحال فرزندش سودی نبخشید.کسی به او خبرداد که شخصی بنام خلیفه اقبال درقسمت بلندای ناوهٔ الله یار زندگی دارد ودردعاخوانی دست توانائی دارد. اورا بیاور تابالای فرزندت بخواند شاید شفا یابد. آنشخص 3- 4 نفرسواررا پشت خلیفه روان کرد واورا با خود درآنجا بردند. خلیفه جثهٔ ضعیف داشت همینکه به محل رسید، بادیدن او مردم قریه به تعجب افتادند که دعا خوان های خیلی قوی هیکل وتنومند این دیوانه را شفا داده نتوانستند، این آدم ضعیف الجسم چگونه از عهدهٔ این کار برخواهد آمد ! امکان ندارد. خلیفه بالای سر مریض آمد وبا لهجه وصوت وفرانت خوبی که داشت ، شروع بخواندن کرد وآنقدر خواند که جوان مریض به دوپاستاد شد واز خانواده خود غذا خواست. برایش نان دادند واو خودراسیرکرد وبعد ازآن از مریضی شفا یافت. به روایتی میگویند که خلیفه با پریان همراه بوده است. گویا اینکه گروهی از پری ها ویرا همراهی میکردند ودعا خوانی موثر وی را مرحون همراهی این پری ها میدانستند. خدا خودش به این راز واقف است نه ما. خلیفه اقبال درسن 35 سالگی به دختر میرزا نام بنام گلایه عاشق شد اما میرزا نام به ازدواج دختر خویش باخلیفه تن درنداد. ازینجا بود که خلیفه به شاعری رو آورد ورفته رفته به شاعر نامی محلی تبدیل شد. میرزا پدرکلان ارباب غلام نبی خریدید بوده است واز بازماننگاشن قریهٔ خرید ناوهٔ غار درهمسایگی با قریهٔ آبگرم اولاد مرزا الله یار بوجود آمده است. دراین قریه اثر تاریخی عجیبی بنام برج جمال وبیا جنگ جمال موجود میباشد که حکایت از گذشتهٔ تاریخی مینماید. خلیفه اقبال دارای چندین نوع سرودهٔ شعری میباشد: غزل ، شش مصرع ی ، هفت مصرعی ، ده مصرعی ، دوبیتی.اشعار خلیفه اقبال وخلیفه سیفور درمیان مردم الله یار خوانندگان وشنوندگان زیادی دارند ودرگذشته درایام زمستان کسانی که آنها را خوانده میتوانستند، میخوانند ودیگران نزد آنان جمع شده ویدقت آنها را می شنیدند.

عاطفه "شریفی" فارغ صنف 12 لیسه عالی سلطان رضیه غوری



## حقوق والدین از دیدگاه اسلام

الحق دین مقدس اسلام یگانه دین کامل و حقیقی است که منبع تمام آموزش وحی الهی بوده و میباید در هیچ راستا دران کاستی و کمبود وجود ندارد و هیچ حق و حقه را نادیده نگرفته و از هیچ اهمیت و ارزشی اغماض ننموده است.

دردین مقدس اسلام بهترین ارزش، احترام و قدرو حق برای والدین تخصیص داده شده اما در قوانین وضعی جوامع امروزی درین مورد کدام تاکید درست وجود ندارد.

به ویژه غربی ولایتیک که تکنولوژی حرف اول را می زند، پدر و مادر که اساسی ترین رکن و عضو خانواده و حتی جامعه بوده، دارای هیچ مقام و منزلتی نیستند و چون حیوانات هرگاه فرزند به سن بلوغ رسید، پدر و مادر را رها کرده به پشت کار خویش میروند و تمام پیوندهای عاطفی و محبت گسیخته شده، هیچ خبری از انفاق، روابط خویشاوندی، همدردی وجود ندارد. فقط قدرانی از مقام پدر و مادر تنها در تجلیل روز مادر و پدر میباشند و بس.

اما دردین مقدس اسلام رعایت حق والدین قرین ایمان بخداوند و توحید اوست و تا فرمانی والدین قرین شرک بوده و از جمله گناهان کبیره میباشند.

چنانچه خداوند (ج) بعد از عبادت و پرستش خویش به فرمان برداری و اطاعت از والدین دستور فرموده که در آیه 36 سوره نساء میخوانیم: **وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا...** (ترجمه: خدایا عبادت کن و هیچ چیزی را شریک او نکن و به پدر و مادر نیکی کن) و نیز در سوره اسرا آیه 23 همین مطلب را فرموده اند چنانچه میخوانیم: **... وَبِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغْنَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا.** (ترجمه: به پدر و مادر خود احسان کن اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.)

حضرت عبدالله بن عمر (رض) روایت میکند که رسول خدا فرمودند: **رضی الرب فی رضی الوالدین وسخط الرب فی سخط الوالدین.** یعنی خوشنودی خداوند (ج) در خوشنودی پدر و مادر است و خشم خداوند در خشم پدر و مادر است. این حدیث دلیل بر وجوب کسب رضایت والدین و تحریم برانگیختن خشم و غضب والدین میباشند.

حضرت عبدالله بن عمر (رض) حدیث دیگری نیز روایت کرده که پیغمبر اسلام (ص) فرمودند: **لا یدخل الجنة منان ولا عاق ولا مدمن الخمر.** ترجمه: شخص منت گذار در نیکی و احسان و شخص نافرمان از والدین، و شخص معتاد به نوشیدن شراب، هرگز وارد بهشت نمی شوند.

حضرت ابی بکر (رض) روایت کرده که آنحضرت (ص) فرمودند: **کل الذنوب یوخر الله ماشاء منها الی یوم القیامة الا عقوق الوالدین، فان الله یعجله لصاحبه فی الحیاة قبل الممات.** ترجمه: خداوند تمام گناهان را به اندازه که بخواهد، به روز قیامت موکول میکند مگر نافرمانی از والدین، که جزای آنرا در زندگی و قبل از مرگ به صاحبش بر میگردداند.

مولوی محمد صادق "احمدی"

استاد دارالعلوم ابوحنیفه، چغچران.

## افتتاح پل دره تخت جلگه مزار

حمله 1391- طبق گزارش تلفونی، ملا محمد رئیس شورای مردمی جلگه مزار از قریه سج با آغاز سال نو خورشیدی، پل دره تخت را افتتاح و وسائل نقلیه برای اولین بار در همین فصل آب خیز از بالای پل به سمت جلگه مزار و الله یار حرکت کردند. این پل که در شرق قریه دره تخت موقعیت دارد، از طرف عبدالغفور (غوری) در سال جاری کار آن آغاز گردیده بود.

محترم ملا محمد رئیس شورای قریه سج و سیاه دره که مسئولیت پیشبرد و نظارت کار اعمار پل قریه دره تخت را بعهده دارد طی تماس تلفونی از سپری شدن زمستان سخت خبر داد. زمستانی که صد ها راس مواشی را بکام مرگ برد و مردم ده هستی و دارائی شان را از دست دادند و اما خوشبختانه بازگشتی این پل که در تاریخ منطقه سابقه ندارد درد را با فراموشی سپرد و روزنه امید بروی آینده گان گشود.

این پل در نزدیکی دره تخت در بالای دریای که از مسیر جلگه مزار بطرف دره تخت در حرکت است اعمار گردیده است. و این دریا از بین دره تخت گذشته و در آخر قریه دره تخت به دریای هریرود یکجا میشود. کار اعمار این پل که در ماه اگست 2011 مطابق به ماه میزان سال 1390 هجری شمسی توسط بنا های ماهر هر یک ملامحمد ظاهر و ملامحمد از قریه بره زو و به همکاری مردم نجیب و شریف ناوه جلگه مزار و بخصوص سعی و تلاش موفقیان معززین آغاز و بتاريخ 28 جنوری سال 2012 تکمیل و ریخت گردید و در اولین روز سال نو خورشیدی 1391 افتتاح شد و بر خلاف سال های دیگر مردم محل را از مشکلات رهایی بخشید.

## شاگردان لیلیه لیسه سلطان علاالدین غوری از وضعیت موجود در این لیلیه شکایت دارند



وضعیت موجود در لیلیه و عدم توجه مسئولین این لیله سبب آن شد، تا تمام شاگردان این لیلیه لب به شکایت گشایند و از حالت فعلی این لیلیه ابراز رضایتی نمایند. بگفته این شاگردان از زمان آغاز لیلیه تاحال با وجود این همه مشکلات، هیچ کسی از طرف مراجع مربوط جهت بررسی این مشکلات به لیلیه نیامده است.

هم چنان این شاگردان افزودند که در لیلیه آنها مشکلات مانند: نبود آب آشامیدنی، نبود مسجد، نبود کتاب خانه، غذائی نامناسب، خرابی حمام های این لیلیه و نبود جانی کافی از جمله مشکلات است که در سال جاری دامنگیر آنها شده است.

حییب الله سالک شاگرد صنف 12 دوازدهم، یکی از شاگردان این لیلیه است که از وضعیت این لیلیه ابراز رضایتی مینماید و میگوید که آنها در اتاقهای که ظرفیت 4 نفر دارد فعلا 8 نفر زنده گی میکنند و هم چنان بر مشکلات یاد شده ای دیگر نیز انگشت تائید میگذارند. و به گفته این شاگردان در سال جاری ضمن کم شدن مواد غذائی آنها میوه آنها نیز قطع گردیده است.

در همین حال فضل الحق نجات معاون تدریسی ریاست معارف غور میگوید: « فعلا در لیلیه 461 نفر زنده گی میکنند و فی نفر 75 افغانی در یک شبانه روز استحقاق دارند که این مقدار پیمه نظریه قیمت مواد غذائی کافی نمی باشد. » به گفته نجات آنها به مشکل بودجه مواجه هستند و به همین اساس آنها نمی توانند به رفع تمام این مشکلات اقدام نمایند. هم چنان بگفته وی آنها چندین دفعه این مشکلات را بوزارت معارف نیز از طریق های گوناگون مطرح نموده؛ اما وزارت در برابر آن پاسخ نداده است.

این همه مشکلات در حال مطرح میشود که از مدت 9 سال به این طرف این لیلیه در ولایت غور فعال گردیده است، اما با زهم روز به روز به این مشکلات افزایش داده میشود.

## دهاقین غور به زرع کوکنار رو آورده اند

یکتعداد از دهاقین ولایت غور میگویند که اگر دولت به مشکلات آنها رسیده گی میکرد، دوباره کوکنار زرع نمی کردند. مسوولین محلی ولایت غور در حالیکه مشکلات زارعین را تائید میکنند، میگویند با آنکه 4 سال قبل ولایت غور از زرع کوکنار، صفر اعلان شده، اما در سال روان بیشتر دهاقین این ولایت به زرع کوکنار دوباره رو آورده اند. دهاقین این ولایت، دلیل زرع مجدد کوکنار را در مزارع شان، مشکلات اقتصادی و عدم توجه دولت به زارعین و بازسازی این ولایت میدانند. محمد عارف یکتن از دهاقین شهر چغچران، به پژواک گفت: " دولت برخلاف وعده های خود، به ما کمک نکرد، محصولات زراعتی ما به دلیل خرابی راه ها، به جای دیگر انتقال نمی شود، مجبور هستیم کوکنار زرع کنیم. " او گفت، زرع کوکنار کم مصرف و حاصل آن به قیمت بلند به فروش میرسد. نجیب الله یکتن دیگر از دهاقین در ولسوالی چهارسده غور میگوید: " از دو هفته به اینطرف، اکثر دهاقین این ولسوالی زرع کوکنار را آغاز کرده اند. " او گفت، دولت به این ولسوالی توجه ندارد، در بیشتر ساحات آن طالبان و افراد غیر مسلح تسلط دارند و دهاقین از فقر مجبور، به زرع کوکنار شده اند. نجیب الله گفت: " اگر به بازسازی راه ها توجه شود و در قسمت تهیه گندم بذری و کود کیمیای کمک لازم شود، دهاقین کوکنار زرع نمیکنند. " در عین حال فریدالدین عابد، رییس زراعت ولایت غور با تائید مشکلات دهاقین این ولایت میگوید که در سال گذشته، صرف برای 10 هزار دهقان یک، یک بوری گندم بذری و کود کیمیای مساعدت صورت گرفت، در حالیکه حدود 150 هزار دهقان در این ولایت وجود دارد. وی کمک یاد شده را نسبت به شرایط و اقتصاد خراب زارعین این ولایت ناچیز خوانده گفت: " بیشتر از آن امکاناتی را به دسترس نداشتیم. " عابد اضافه نمود که نسبت خرابی راه ها و وضعیت امنیتی، دهاقین نمی توانند محصولات خود را بخاطر فروش به سایر ولایات انتقال دهند و سرد خانه ای هم در این ولایت وجود ندارد که برای مدتی سبزیجات خود را، نگهداری کنند. رییس زراعت غور اضافه نمود که در بهار سال روان، قرار است از طریق این اداره، برای 5 هزار دهقان دیگر کود کیمیای و گندم توزیع گردد. از سوی دیگر، مسوولین اداره مبارزه با مواد مخدر ولایت غور نیز زرع کوکنار را در بیشتر ساحات این ولایت تائید می نمایند. محمد یوسف وکیلی رییس اداره مبارزه با مواد مخدر غور به پژواک گفت: " بعد از بررسی ساحات بذری شده کوکنار، تخریب آنرا به کمک پولیس آغاز و دهاقینی را که به زرع این بته متوصل شده اند، مورد پیگرد قرار میدهم. " وکیلی گفت که چهار سال قبل؛ ولایت غور از زرع کوکنار صفر شد و تا کنون به ارزش 2 میلیون دالر، به یکتعداد پروژه هادر این ولایت اختصاص یافته و برای پول متباقی یکتعداد پروژه های دیگر به وزارت مبارزه با مواد مخدر پیشنهاد شده است. با اینحال غلام محمد پیمان سرپرست ولایت غور، زرع دوباره کوکنار را در آن ولایت تائید کرد. او به پژواک گفت: ( درست است که دهاقین به مشکلات فراوان مواجه اند، اما به خاطر فقر، نباید کوکنار زرع نمود، زیرا زرع آن جرم است. ) وی افزود که مشکلات دهاقین را با مرکز در میان گذاشته و کمپاین تخریب مزارع کوکنار را در آینده نزدیک آغاز خواهند کرد. در عین حال؛ جنرال خدایار قدسی قوماندان امنیه ولایت غور به پژواک گفت که بخاطر تخریب مزارع کوکنار، نیروهای پولیس با اداره مبارزه با مواد مخدر آماده همکاری است. وی افزود که هر چند غور 4 سال قبل از زرع کوکنار صفر اعلان شد، اما شماری از دهاقین سال گذشته نیز، در برخی از ساحات نا امن، این بته را زرع نموده بودند. او گفت، پولیس سال گذشته 43 هکتار مزرعه کوکنار را تخریب و 1800 کیلو گرام تریاک را ضبط و در پیوند به آن 4 مظنون را توقیف نمود. غور از جمله ولایات دور افتاده و کوهستانی کشور است که به گفته رییس اداره زراعت این ولایت، 90 درصد باشنده های آن پیشه دهقانی و مالدارانی داشته و اقتصاد ضعیف دارند.

خبرگزاری پژواک

گرفته شده از سایت جام غور

## عدم توجه

## مسوولین در قبال

## دانش آموزان

طوریکه میدانید سالانه عده زیادی دانشجویان از سایر ولایات افغانستان به بورسیه های خارج جذب می شوند ولی متاسفانه دانشجویان ولایت غور از این امتیازات که حق مسلم شان می باشد، محروم اند که علت آن بی توجهی نماینده گان غور بوده و است زیرا دانشجویان که در مرکز افغانستان به امتحانات بورسیه ها اشتراک می کنند، اگر موفق هم شوند به علت فائورتیسم (پارتی بازی) که در مقامات وجود دارد، محصلین ما از این حق محروم می شوند. نمایندگان غور در این باره کاملاً بی تفاوت هستند و تاهنوز از طرف آنها کدام توجه صورت نگرفته است. نمایندگان سایر ولایات در کابل کورس های آموزشی به منظور ارتقاء سطح دانش دانشجویان خویش از بودجه شخصی شان ایجاد کرده اند که فعلاً کورس های شان به شکل دوامدار ادامه دارد. اگر نمایندگان محترم قادر به اجرای چنین خدمات آموزشی و حرفوی نیستند، حد اقل از دانشجویان که در بورسیه ثبت نام می نمایند مطلع باشند.

نصیر احمد دادفر "غوری" محصل

سال دوم اقتصاد

## تسلیم شدن یک گروه شورشی مسلح در ولایت غور



از 16 ماه اپریل، یک محفل آشتی و همبستگی در دفتر مقام ولایت برگزار شد. یک گروه شورشی ضد دولتی با 12 تن از افسران اش تحت رهبری ملا بهادر از ولسوالی دولتیار اسلحه خویش را کنار گذاشتند و به پروسه صلح پیوستند، به گفته قومندان امنیه ولسوالی دولتیار - عبدالکریم، این افراد با 5 میل تفنگ و 2 عدد ماین به پروسه صلح تسلیم شده و اینها طالبان قومندان ملا شیر احمد بودند.

ملا بهادر گفت که "ما خسته جنگ هستیم و ما خواستیم که به دولت مان بپیوندیم و به کشور خود خدمت نماییم و از دولت میخواستیم که برای من و برای افراد من زمینه کار را آماده سازد". طبق معلومات مقامات ولایت غور، به تعداد 60 عنصر ضد دولتی و 1000 شخص مسلح غیر قانونی در این ولایت وجود دارد. عده زیادی از شورشیان در سراسر افغانستان به پروسه صلح پیوستن، برای اینکه این شان یگانه چانس میباشند جهت تغییر راه زندگی و توانایی بزرگ برای برگشت به زندگی مسالمت آمیز، پیوستن به فامیل ها، کمک برای ساختار افغانستان جدید و فراهم ساختن محیط امن برای نسل های آینده و خوشبختی تمام ملت افغانستان.

## PRT IN GHOR

پی آر تی چغچران  
مترجم: گلرحمان فراز

## معذرت خواهیها:

- در شماره دوم این ماهنامه جوانان يك تعداد فکاهیاتی را جمع آوری کردند و بدون اینکه متوجه حساسیت های آنها شده باشیم، آنها را به نشر رساندیم. وقتیکه علاقمندان و دوستان آنها را خواندند، ما را مورد انتقاد قرار دادند. چون انتقاد این دوستان بجا و سازنده بود، ما با کمال خورسندی وجبین گشاده انتقادهای این دوستان را پذیرفته و از ایشان بی اندازه اظهار سپاس و شکران مینمایم. واقعا دوست آنست که معایب و کاستی هارا بازگو نماید. گرچه این فکاهیات از شبکه تلویزیونی شب خند گرفته شده بود ولی ما متوجه نقایص آنها نشدیم ازینرو از این کار خویش از شما دوستان عزیز معذرت خواسته در آینده وعده می سپاریم که دیگر همچو اشتباهی را مرتکب نشویم. ضمناً از شما دوستان صادقانه خواهشمندیم که در مورد مطالب و محتوای ماهنامه نیز اگر انتقادی، نظری و خواستی داشته باشند، ما را شریک بسازند تا بکمک همدیگر کمبودی هارا اصلاح و خلاها را بر سازیم چنانچه گویند: از یک دست صدابرنخیزد.
- معذرت خواهی دومی ما اینست که بنا به مشکل طباعتی به تعداد دو- سه سطر از مضمون دینی و علمی محترم الحاج مولوی عبدالکریم برهاتی استاد دارالعلوم ابوحنیفه غور با ذکر نام ایشان تحت نام: **"حقوق زنان در اجتماع و خانواده"** از شماره دوم این ماهنامه باقی مانده بود که اینک در این شماره درج نموده سعی خواهیم کرد همچو خلایق در آینده تکرار نشود (... ای عمر آیا نشنیده که خداوند فرموده است " وء اتیمم ایداً هن فطنار افلاتا خذو آمنه شیا" حضرت عمر قول آن زن را قبول کرد و گفت تا حالا زن ها را بیش از چهار صد درهم نهی میکردم؛ پس از این هر چه مهریه میگیرید خود تان اختیار دارید. این واقعه نشان و دلیل قاطع بر این است که زن مسلمان آزادی رای و نظر دارد و میتواند رأیش را در حضور حاکم وقت اعلام نماید و گفتارش را رد و خطایش را پیش چشم مردم بیان نماید. مولوی عبدالکریم "برهانی"). از محترم مولوی صاحب پوزش میخواستیم و آرزو نمودیم از بزرگواری خویش ما را مورد عفو و نوازش قرار دهند.

## فکاهیات

## یک هفته

قاضی میگوید: چرا پول این شخص را نمی دهی؟  
متمم: بخدا یک سال است که به او التماس می کنم که یک هفته مهلت بده، نمی دهد.

## دیوانه

دو دیوانه با خود حرف میزنند، اولی: پرسید "تو کی به دنیا آمدی؟" دومی گفت: به روز سه شنبه؛ دومی گفت تو کی به دنیا آمدی؟ اولی گفت: به روز جمعه، دومی میگوید: دروغ گفتی، جمعه ها خود رخصتی است.

## خارج

به شخصی گفتن: اگر دنیا را به تو بدهند، چیکار میکنید؟ شخص گفت: می فروشم میروم خارج.

## ساعت طلا

قاضی: راستی وقتی که ساعت طلای این آقا را دزدیدی هیچ نترسیدی؟ دزد: چرا جناب قاضی ترسیدم که نکند ساعت طلا نباشد.

## نصیحت

پدری به فرزند خود سالش نصیحت میکرد. که بلاخره روزی همه ما خواهیم مرد.

پسر گفت: پدر پس یاد تان باشد که حتما کلید الماری شیرینی ها را به من بدهید.

## مساعدت به نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار

یک تعداد از موسسات دولتی و غیردولتی از ابتدای تاسیس این نهاد، دست مساعدت و کمک بسوی این نهاد دراز کرده و ما را در این راستا یاری رسانده اند که جا دارد تا از ایشان به دیده قدر نگرینسته سپاس و تشکر خویش را به پیشگاه آنان ابراز بداریم.

از ابتدای تشکیل نهاد تا اکنون ارگانهای که کمک کرده اند، ازینقراراند:

- لیسه غار الله یار، لیسه نسوان الله یار و مکتب متوسطه انات موشک های الله یار بکتهعداد مواد مد درسی از قبیل قلم، کتابچه و تخته برای 800 نفر شاگرد اعم از ذکور و انات مربوط نهاد توزیع و مساعدت نمودند همچنان از طرف لیسه غار الله یار به تعداد چهار پایه کمپیوتر بخاطر آموزش استادان و شاگردان بدسترس نهاد قرارداده شد.
- درابتدای تشکیل نهاد، موسسه ورلد ویژن به اهالی منطقه یکمقدار مواد غذایی شامل برنج، روغن، آرد و دال توزیع نمود که مردم از این مواد طوردواطلبانه بشکل گروهی و انفرادی به ارزش مبلغ 187000 افغانی به نهاد کمک نمودند که از مدرک هذا بکتهعداد وسایل مورد ضرورت به اداره نهاد خریداری و تدارک دیده شد.

- درسرماي زمستان 1389 از طرف PRT مقیم چغچران یک مقدار اجناس از قبیل قلم، کتابچه، فرش، دستکش، جراب و بخاری آتشی برای دانش آموزان نهاد مساعدت گردید.

- از طرف امریت محترم ورزش ولایت غور توپ، جال و دیگر وسایل ورزشی برای کمیته ورزش این نهاد کمک شد.

- از طرف محصلین و متعلمین الله یار به تعداد چهار عراده موتر سایکل جهت خدمتگزاری بعنوان سرمایه دایمی بدسترس نهاد گذاشته شد. نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار بخاطر این مساعدت ها از تمام مراجع کمک کننده صمیمانه تشکر و قدردانی نموده چشم براه کمک بیشتر و بهتر همه موسسات دولتی و غیر دولتی، ارگانها ی اجتماعی و اشخاص و افراد خیر اندیش و بشر دوست میباشیم. البته نهاد جوانان از این کمک ها توانست تا کورس های آموزشی را برای جوانان منطقه درایم دوزمستان سخت گذشته به طور موفقیت آمیز به پیش ببرد و جوانان زیادی را درپوهنوتنها و موسسات عالی رهنمون گردد. اینکه امروز تعداد قابل ملاحظه از جوانان الله یار به دانشکده های مختلف کشور راه یافته اند، محصول کمک و مساعدت مالی دوستان و تلاش استادان و محصلین منطقه در دانشگاه های کشور بوده است. ما جوانان الله یار افتخار داریم که دوستانی با ما همراه میباشند که از مساعدت های خود ما را مستفید میگردانند. به امید ادامه این کمک ها.

## اداره نهاد

## واقعات و رویدادهای منطقه الله یار

مهمترین رخدادهای که طی ماه حمل سال 1391 در الله یار رخ داد قرار آتی است:

کثرت برف و برفباری در ولایت غور باعث مشکلات و مسدود شدن راه ها و به ویژه در منطقه الله یار مالداران را سخت دچار مشکل نمود تاجانیکه یک سوری علوفه به مبلغ 5000 پنج هزار افغانی هم یافت نمی شد.

زد خوردها و جنگ های ذات البینی در میان اقوام زی مراد الله یار در طی این ماه نسبت به ماه های گذشته بیشتر جریان داشت که این عمل محصلین و متعلمین الله یار را سخت جگرخون و مایوس گردانید.

درامتحان کانکور از جمله 32 شاگرد فارغ صنف 12 سال 1390 منطقه الله یار که درامتحان کانکور اشتراک کرده بودند، 59 فیصد (19 نفر) درموسسات تحصیلات عالی راه یافتند و 41 فیصد ایشان (13 نفر) راه نیافتند. از جمله این تعداد 5 نفر دختر و متباقی پسر بودند. آنانیکه به تحصیلات عالی راه یافتند:

یک نفر به دانشکده و ترنری، ده نفر به دانشکده های تعلیم و تربیه، دو نفر به دانشکده ادبیات، دو نفر به پوهنهی زراعت، سه نفر به شرعیات، یک نفر به اقتصاد، که با مقایسه به سال های گذشته یک موفقیت خوب به نظر میخورد. اما آنچه که تعجب کننده است اینست که هیچ کسی در طب، انجینری، کمپیوتر ساینس و حقوق علوم سیاسی راه نیافته است. علت آن نبود معلمین و رزیده درلیسه های مربوطه الله یار بوده است نه در درجه ذهنیت و تلاش شاگردان. باید گفت که از دختران کسی درموسسات عالی موفق نشد بعلت اینکه درانتخاب دانشکده ها مشکلات داشتند.

تقاضا و خواسته های مردم الله یار از دولت:

این خواسته ها قرارذیل است: تامین امنیت، ایجاد پوسته های امنیتی دربین راه غور الی هرات از مسیر منار جام، نظارت از مدیریت های مکاتب، ایجاد کورسهای سواد آموزی، محافظت از جنگلات طبیعی و توسعه پروژه های زیر بنایی.

## نمونه غزلیات خلیفه سیفور

طبق وعده قبلی این بار نحوه عاشق شدن سیفور با زمرد که طی دو غزل زیبایی زیر سروده شده است، ذیلا به خوانندگان محترم ماهنامه الله یار تقدیم میگردد:

## غزل اول

عجایب غفلتی بیتابم آمد  
چو نی کز استخوان فریادم آمد  
که ناگه در برم استادم آمد  
الف گفتم قدش بر یادم آمد  
خیال خشم بر استادم آمد  
دل پردرد در فریادم آمد  
غمش اندر دل ناشادم آمد  
بدم انداخت تاصیادم آمد  
بقصد جان بی بنیادم آمد

## غزل دوم

از قضا روزی به تقدیر قدر  
دل به سودای گل و فصل چمن  
چون بسوی روضه پیر کرم  
بر طواف مرقدش صیقل کنم  
بود آنجا یک مجاور خانه  
من به دل گفتم که آنجا ساعتی  
بعد از آن سوی مزارستان شوم  
ناگهان از خانه یک مه پیکری  
شد بیرون با سوی صحرا رونهاد  
چونکه دیدم گشتم از خود بی حضور  
آتشی افتاد چون نی بر تنم  
از کسی پرسیدم این مه روی کیست  
گفت او را مادر گیتی بزاد  
تا که؟ خواهد برد بهره از لبش  
در میان جمله شاه و گدا  
عاقبت صیدی که او تیری خورد  
زین حکایت گرم شد بازار من  
بگذرای سیفور ازین گفت و شنید

## بهار عمر من

جمعه خان "فروتین"

بهار عمر من سر شد نشد سر انتظار من  
بجای مهر دلبر اشک گرم است در کنار من  
خم ذلف سیه از روی چون خورشید یکسونه  
که تا صبح دم یکباره در شب های تار من  
خمار صد شبه هست مرا با خویش خواهد برد  
به نیم پوسه گر نشکنی امشب خمسار من  
بهار زندگیم آن چنان یا مال عشق شد که  
ندیده کس چو شهر چغچران فصل بهار من  
اگر نظمم تو را ندیده نیست ناز و محبت کن  
که تا موزن شود این طبع خام تازه کار من

## آگاهی ماهنامه: ماهنامه الله یار بدین طریق از عموم

محصلین، شاگردان مکاتب، ملا امامان، نویسندگان شعر و ادب صمیمانه آرزو مند است، تا نوشته های خویش را در مورد نام این نشریه عنوان ماهنامه "الله یار" برای اصلاح مان بفرستند. انتقادات، پیشنهادات و نظریات شما از طرف هیئت رهبری این ماهنامه پذیرفته میشود، هدف از نشر این ماهنامه خاص برای شناسایی و هویدا ساختن منطقه گم نام و فرا موش شده الله یار بوده و میباشد.

## صاحب امتیاز: نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان الله یار

مدیرمسؤل: لعل میر دانشور "مرادی" (0799389847 - 0773494746)

معاون مدیرمسؤل: خان محمد "برنجیان"

گزارشگران: عبدالصیر "نادر افشار" عاطفه "شریفی" سخیمراد "غوریانفر" و گل رمان فراز.

سر دبیر: سمیع الله همدرد پور (0796655178)

معاون سردبیر: احمد طاهر "تنها" همکار: نصیب الله "پویا"

آدرس الکترونی: jawanallahyar@gmail.com lalmirmoradi@gmail.com

هیئت تحریر: محمود "بی پروا" و گرو نویسنده گان

آدرس ما: دفتر نهاد جوانان الله یار قریه نو آباد غار

تمویل کننده ها: محمد یوسف "دانبار"، محمود "بی پروا"، محمد انور "عمری" و تاج الدین غوریانفر

مدیرمسؤل در ویرایش دست باز دارد و بدون از سر مقاله دیگر مطالب نظر نویسنده میباشد.